

The Necessity of Preserving Humanity in the Treatment of Persons Deprived of Liberty: From Theory to Practice

(Type of Paper: Research Article)

Amirhossein Ranjbarian¹, Maryam Karbalaie Hassani^{2*}

Abstract

The right of people deprived of freedom is one of the fundamental human rights that was considered in article 10 of the international covenant on civil and political rights for the first time. Due to that deprivation of freedom makes a person specially vulnerable and exposes his dignity and rights to violation, this right is absolutely necessary for respect to people's inherent dignity. But international documents have not defined it and have only expressed the obligation of "prohibition of torture and other cruel, inhuman and degrading treatment or punishment". However, this prohibition is just a minimum duty of respect to human dignity and human treatment in situations of deprivation of freedom. Realization of human treatment of the deprived of freedom needs a higher level of duties and active actions from governments.

Keywords

Human treatment, Deprivation of freedom, Human dignity, Inhuman treatment, Human Rights Bodies.

1. Associate Prof., Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: aranjbar@ut.ac.ir

2. PhD Student in International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: Kh_maryam68@yahoo.com

Received: November 12, 2019 - Accepted: February 17, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

لزوم پاسداشت انسانیت در چگونگی رفتار با محرومان از آزادی؛ از نظر تا عمل

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

امیرحسین رنجبریان^۱، مریم کربلائی حسنی^{۲*}

چکیده

حق افراد محروم از آزادی به برخورداری از رفتار انسانی، از اساسی‌ترین حقوق بشری محسوب می‌شود که برای اولین بار در ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار گرفت. با توجه به اینکه محرومیت از آزادی فرد را با آسیب‌پذیری ویژه‌ای روبه‌رو می‌سازد و کرامت و حقوق انسانی او را به راحتی در معرض تضییع قرار می‌دهد، چنین حقی بی‌شک لازمه احترام به کرامت ذاتی انسان به حساب می‌آید. اما اسناد بین‌المللی حقوق بشری هیچ‌گونه تعریفی از آن ارائه نداده و فقط به بیان تعهد به «ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز» پرداخته‌اند. این در حالی است که این ممنوعیت تنها یک تعهد حداقلی برای احترام به کرامت و رفتار انسانی در شرایط محرومیت از آزادی به حساب می‌آید. تضمین رفتار انسانی نسبت به محرومان از آزادی نیازمند سطح بالاتری از تعهدات و اقدامات فعالانه از سوی دولت‌هاست.

کلیدواژگان

رفتار انسانی، رفتار غیرانسانی، کرامت انسانی، محرومیت از آزادی، نهادهای حقوق بشری.

۱. دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: aranjbar@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: Kh_maryam68@yahoo.com

مقدمه

افرادی که به هر دلیل^۱ از آزادی خود محروم می‌شوند، همچنان انسان و لایق احترام‌اند و در هیچ شرایطی حق بهره‌مندی از رفتار انسانی نباید در پی محرومیت از آزادی نادیده گرفته شود. برعکس لزوم رفتار انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشری به‌طور مشخص در خصوص چنین افرادی مطرح شده است.^۲ دلیل این توجه ویژه نیز آن است که محرومیت از آزادی به‌راحتی می‌تواند به آسیب‌پذیری خاص و رفتارهای غیرانسانی منجر شود. سه واژه انسانیت، احترام و

۱. محرومیت از آزادی در اشکال مختلفی بروز می‌یابد؛ مانند توقیف و بازداشت براساس ظن ارتکاب جرم، محکومیت در زندان، توقیف قانونی افراد به‌منظور جلوگیری از شیوع بیماری‌های عفونی، بازداشت معتادان یا افراد ولگرد، بازداشت جهت ممانعت از ورود غیرمجاز به داخل کشور و نگهداری بیماران روانی در اماکن روان‌پزشکی. اگرچه استانداردهای رفتار انسانی نسبت به همه افراد در چنین وضعیت‌هایی اعمال می‌شود، در خصوص متهمان و محکومان که با نقض قوانین و ارتکاب جرم در تقابل با سیستم عدالت کیفری قرار می‌گیرند و موجب برانگیختن حس منفی عموم جامعه می‌شوند، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. چنین افرادی اغلب هدف رفتارهای غیرانسانی و نامناسب قرار می‌گیرند و کرامت و حقوق انسانی آنها تضییع می‌شود. در این میان شرایط افرادی که به دلایل جدی‌تری مانند مبارزه با تروریسم در زندان به‌سر می‌برند، از سایرین وخیم‌تر است، چراکه دولت‌ها در چنین مواردی به خود اجازه می‌دهند تا با این افراد به دور از تمامی معیارهای انسانی و به‌گونه‌ای که کرامت آنها را به‌طور کامل نادیده می‌گیرد، رفتار کنند. مهم‌ترین مصداق عملی این امر وضعیت غیرانسانی زندانیان گوانتانامو است که به‌عنوان مبارزان غیرقانونی اسیرند و هیچ‌یک از موازین حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه در مورد آنها اعمال نمی‌شود (ر.ک: وندنوروز، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۳۵).

۲. ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «با تمام افرادی که آزادی آنها سلب می‌گردد، باید با انسانیت و احترامی که حقیقت ذاتی شخص انسان است رفتار شود». مواد ۲۵ و ۲۶ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان: «هر فردی که از آزادی خود محروم شده حق برخورداری از رفتار انسانی در طی این زمان را دارد و فرد دستگیرشده نباید مورد مجازات ظالمانه، نامتعارف یا غیرعادی قرار گیرد». بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: «با تمامی اشخاصی که از آزادی محروم شده‌اند، باید با احترامی که لازمه کرامت ذاتی شخص انسان است رفتار شود».

همچنین می‌توان به قطعنامه‌های صادره از سوی مجمع عمومی ملل متحد اشاره کرد که از سال ۱۹۵۵ در چارچوب حقوق نرم و غیرالزام آور رفتار انسانی با محرومان از آزادی را در معرض توجه جهانی قرار داده و در مقاطع زمانی متفاوت به ارائه اصول رفتار با گروه‌های مختلف انسانی در چنین شرایطی پرداختند. مانند قواعد استاندارد حداقل برای رفتار با زندانیان، مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانانی که از آزادی خود محروم شده‌اند، مجموعه اصول حاکم بر حمایت از تمامی اشخاص تحت هر شکل از بازداشت یا حبس، اصول اساسی رفتار با زندانیان و قواعد ملل متحد در خصوص رفتار با زنان زندانی و اقدامات غیرسالب آزادی در خصوص زنان مجرم. قطعنامه‌های مجمع همچنین دولت‌ها را به اتخاذ اقدام‌های قانونی، قضایی و اجرایی مؤثر در جهت پیشگیری و رسیدگی به موارد سوءرفتار در تمامی اماکنی که اشخاص محروم از آزادی در آنها حضور دارند و تضمین احترام به کرامت و حقوق انسانی این افراد ملزم می‌سازند. برای مثال:

A/RES/64/153, 18 December 2009, A/RES/65/205, 21 December 2010, A/RES/66/150, 19 December 2011, A/RES/70/146, 17 December 2015

کرامت ذاتی در ماده ۱۰ میثاق به این مفهوم است که به هر انسان باید به‌عنوان عضوی از جامعه بشری نگریست که مستحق احترام است، چون حق احترام و حفظ کرامت در واقعیت انسان بودن نهفته است.

به‌رغم اهمیت اساسی چنین حقی، اسناد بین‌المللی حقوق بشر هیچ تعریف روشن و مشخصی از عبارت رفتار انسانی با افراد محروم از آزادی در بر ندارند. از سوی دیگر، تعهد به رفتار انسانی در عمل نیز تا حد زیادی مورد غفلت قرار می‌گیرد. به این ترتیب شاهد آنیم که انسان‌های زیادی در زندان‌های کشورهای مختلف با وضعیت غیرانسانی حبس مواجه‌اند و از مشکلات بسیاری چون شرایط نامناسب زندگی، دسترسی نداشتن به خدمات درمانی جسمی و روانی، از دست رفتن پیوندهای خانوادگی و نقض سایر حقوق انسانی رنج می‌برند. چنین شرایطی به آمار بالای بیماری‌های جسمی و روحی در زندان‌ها، خودکشی و در نهایت مرگ منتهی شده است.

در بیشتر کشورها میزان ابتلا به بیماری‌های واگیردار مانند ایدز، هپاتیت و سل در میان افراد حاضر در زندان‌ها بسیار بیشتر از جمعیت عادی جامعه است و از دلایل عمده مرگ‌ومیر زندانیان به‌شمار می‌آید.^۱ همچنین افزون‌بر شیوع مشکلات سلامت در زندانیان، مشکلات عاطفی و ارتباطی در فرایند رشد شخصیت آنها و تجربه‌های تلخ دوران کودکی مانند سوءاستفاده‌های جنسی نیز از دلایلی هستند که به بروز مشکلات روحی در این گروه می‌انجامد و در مجموع به افزایش ارتکاب خودکشی از سوی زندانیان منجر می‌شوند. به‌عبارت دیگر اگرچه ویژگی‌های افراد محکوم در زندان به‌نوعی است که حتی اگر در زندان نباشند نیز احتمال خودکشی در آنها زیاد است، (J Towl, 2017: 83-95)، اما وقتی محرومیت از آزادی و فشارهای ناشی از آن نیز به این مجموعه اضافه شود، خطر دست زدن به رفتارهایی چون خودزنی و خودکشی دوچندان خواهد شد.^۲

۱. دلایل چنین وضعیتی در درجه اول به معضلات اقتصادی و اجتماعی مانند فقر، سطح پایین سواد، زندگی در گروه‌های اقلیت و برخوردار نبودن از خدمات بهداشتی و درمانی مربوط می‌شود و از سوی دیگر، رفتارهای پرخطر شایع در زندان‌ها مانند روابط جنسی و تزریق مواد، ازدحام جمعیت، خشونت، بهداشت ضعیف و تغذیه نامناسب نیز کنترل بیماری‌ها را در این محیط دشوارتر می‌گرداند.

See: United Nations Office on Drugs and Crime, 2008: 7-10, 87

۲. استفاده از مواد مخدر، بیکاری، عدم دسترسی به فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی و در اختیار داشتن ابزار دردسترس مانند قرص و دارو نیز از دیگر عوامل ایجاد خطرند. همچنین تراکم جمعیت در زندان‌ها و وجود معضل کف‌خوابی هم می‌تواند انگیزه‌ای برای این‌گونه رفتارها باشد. آن‌طور که تجربه نشان داده محکومان به حبس ابد، محکومان و متهمان به جرائم خشن به‌ویژه قتل، نوجوانان و افرادی که سابقه مشکلات روانی و به‌ویژه تجربه خودزنی دارند، بیشتر از سایرین احتمال دارد که دست به خودکشی بزنند. همچنین آمار خودکشی در میان زندانیان در روزهای اولیه ورود به زندان، روزهای قبل و بعد از محاکمه و در بعضی موارد روزهای قبل از آزادی بالاتر از سایر اوقات

از سوی دیگر، اگرچه تمامی محرومان از آزادی به دلیل از دست دادن آزادی و فرار گرفتن تحت کنترل کامل مأموران عمومی، در برابر نقض حقوق انسانی خود آسیب پذیرند، ملاحظاتی مانند جنسیت، سن، وضعیت سلامت جسمی و روانی، تعلق به گروه‌های خاص اجتماعی و نوع و میزان محکومیت به نیازهای خاص و آسیب‌پذیری بیشتر منجر می‌شود. به این ترتیب اجرای رفتار انسانی نسبت به گروه‌های مختلف نیازمند توجه مخصوص خواهد بود. برای مثال می‌توان به زنان اشاره کرد که در شرایط محرومیت از آزادی در جنبه‌های مختلفی چون ارتباط با خانواده، بهره‌مندی از خدمات درمانی و برنامه‌های هدفمند در زندان با نابرابری‌های برخاسته از جنسیت مواجه می‌شوند. زندگی در زندان همچنین زنان را در معرض بسیاری از رفتارهای غیرانسانی و نیز تحقیر شخصیتشان طی محکومیت قرار می‌دهد که اغلب بر مبنای جنسیت است و در قالب سوءاستفاده جنسی رخ می‌دهند.^۱

کودکان و نوجوانان نیز نیازهای جسمی و روانی خاصی دارند که از بزرگسالان متمایز است و خود نیز یک گروه ناهمگون به‌شمار می‌آیند، چراکه نیازها و حساسیت‌های آنها براساس عواملی چون سن، جنسیت، میزان رشد، مشکلات جسمی و روانی، تجربه قبلی خشونت و سوءاستفاده و میزان تحصیلات متفاوت است (APT, 2014: 13-14). همچنین زندگی در زندان برای آن دسته از افراد که به لحاظ روانی بیمارند، بیشتر از سایر زندانیان چالش‌برانگیز خواهد بود. این افراد از یک سو قادر به پیروی مناسب از قواعد و مقررات زندان نیستند و ممکن است رفتارهایی چون پرخاشگری یا خشونت از خود بروز دهند و همین مسئله احتمال اعمال اقدامات انضباطی در خصوص آنها را بیشتر می‌کند. از سوی دیگر، چنین اشخاصی نسبت به آزارهای جسمی و جنسی، سوءاستفاده و اخاذی از سوی دیگر زندانیان آسیب‌پذیرترند. همچنین امکان جداسازی این افراد از بقیه زندانیان و استفاده از حبس انفرادی در مورد آنها،

است. زندانیان حتی پس از آزادی نیز احتمال دارد که اقدام به خودکشی کنند. چنین وضعیتی نیز از عدم موفقیت در بازگشت به جامعه و از دست دادن روابط خانوادگی و فرصت‌های شغلی در پی حبس نشأت می‌گیرد. (ر.ک: شمس، ۱۳۹۴: ۲۲۰-۲۱۷؛ Lehtmetts, 2014: 39)

۱. این امر تأثیرات سوئی بر باروری و سلامت جنسی زنان دارد و موجب می‌شود به بیماری‌های کشنده‌ای چون ایدز مبتلا شوند. علاوه بر این با توجه به اینکه زندانیان زن اغلب سابقه محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند، از بسیاری مشکلات جسمی درمان‌نشده رنج می‌برند و این شرایط در پی فقدان درمان مناسب، بهداشت و تغذیه ناکافی و ازدحام جمعیت در زندان تشدید می‌شود. همچنین در زنان دو برابر بیشتر از مردان احتمال ابتلا به افسردگی و دو تا سه برابر بیشتر احتمال تجربه اختلالات اضطرابی مانند اختلال اضطراب پس از حادثه وجود دارد. زنان همچنین بیش از مردان به عارضه‌های جسمی دچار می‌شوند که نمی‌توان به‌طور کامل آنها را به‌عنوان یک بیماری توصیف کرد. فشار روانی ناشی از حبس و جدایی از خانواده و فرزندان سلامت روانی زنان را به‌طور جدی‌تری تهدید می‌کند و احتمال ارتکاب خودکشی در آنان بیشتر از مردان است.

See: Olomojobi, 2016: 17; Rabin, 2009: 5; Rickford, 2003: 4, 17

خواه به دلایل حمایتی یا در پی نقض قوانین زندان، بیشتر است، درحالی که این امر می‌تواند به تشدید وضعیت بیماری‌شان منجر شود (Ball, 2008: 3-4). در این مقاله تلاش می‌کنیم تا با بهره‌گیری از رویه‌نهادهای بین‌المللی حقوق بشری مفهوم و ابعاد رفتار انسانی نسبت به افراد محروم از آزادی را روشن کرده و سازوکارهای حمایت از چنین حقی را بررسی کنیم. در این زمینه در قسمت اول به بیان پیوند رفتار انسانی با کرامت ذاتی انسان پرداخته، همچنین با توجه به عدم تعریف عبارت رفتار انسانی در اسناد بین‌المللی، سعی می‌کنیم تا از طریق تعریف و مصادیق عبارت متضاد آن یعنی رفتار غیرانسانی به روشن‌تر شدن این مفهوم کمک کنیم. در قسمت دوم نیز چگونگی تضمین رفتار انسانی در خصوص محرومان از آزادی از سوی دولت‌ها و نقش نهادهای نظارتی حقوق بشری را در این زمینه بررسی می‌کنیم.

حراست از کرامت انسانی در جریان مجازات

طبیعی است که زندان پیش از هر چیز یک نهاد جمعی است که فقدان آزادی و اراده مستقل را به افراد تحمیل می‌کند و در عین حال مکان مجازات است و افرادی که در آن زندگی می‌کنند، مجبورند تحت کنترل کامل مأموران دولتی در مکانی مشخص و همراه با افرادی که خود انتخاب نکرده‌اند، اوقاتشان را بگذرانند و از ضوابط و دستورالعمل‌های خاصی پیروی کنند. اما باید در نظر داشت که رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی زندانیان در راستای حمایت از هویت فردی و اجتماعی، استقلال اراده و کرامت انسانی آنها ضروری است.^۱

۱. رفتار انسانی لازمه احترام به کرامت انسان‌ها

استفاده مکرر از واژه کرامت انسانی در مقدمه و متن بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشری^۲ بیانگر این است که توافقی گسترده در خصوص نقش اساسی مفهوم کرامت انسانی به‌عنوان منطق و پشتوانه حقوق بشر وجود دارد. این بیان گسترده نمی‌تواند صرفاً یک عبارت پردازی ساده باشد، بلکه مصداقی از اراده و منطق نویسندگان است. بر این اساس کرامت پایه‌ای برای تفسیر و اجرای این اسناد و سنگ بنای چیزی است که می‌توان فهم مشترک حقوقی افراد نامید. به این ترتیب «اصل کرامت انسانی یک اصل اساسی در حقوق بین‌الملل است که به اعلامیه‌های متعدد حقوق

1. See: Van Zyl Smit, 2009: 38-39, 101

۲. توجه به کرامت انسانی در اولین گام‌های طرح مسئله حقوق بشر در سطح بین‌المللی و همزمان با تدوین منشور ملل متحد مدنظر قرار گرفت. منشور ملل متحد به‌عنوان «بنیان کلیه تعهدات بین‌المللی در زمینه حمایت از حقوق بشر در چارچوب ملل متحد»، با اعلام ایمان به حقوق اساسی بشر و حیثیت و ارزش شخصیت انسانی، احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی انسان را در زمره اهداف اصلی سازمان و همتراز با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است (ر.ک: شایگان، ۱۳۸۲: ۱۷).

بشری خاصیت الزام‌آوری می‌بخشد و به‌نوعی سخت می‌توان موضوعی را یافت که اعتقاد عمومی جهانی در آن بیش از این موضوع روشن باشد» (Alzina de Aguilar, 2011: 7).

حق کرامت انسانی عبارت است از برتری، تقدم و احترام انسان و به‌سبب این حرمت و شرافت حق هر انسان است که در جامعه با احترام زندگی کند (عباسی، ۱۳۹۰: ۸۶). به‌عبارت دیگر، کرامت انسانی افزون‌بر بعد داخلی که همان حس ارزشمند بودن در هویت انسانی است، یک بعد خارجی دارد، به این معنا که کرامت وقتی افزایش می‌یابد که از طرف دیگر انسان‌ها مورد شناسایی، احترام و عزت قرار گیرد (کلارنس، ۱۳۸۹: ۲۲).

حق احترام به کرامت انسانی به این معناست که باید با هر انسان (فارغ از ویژگی‌هایی مانند نژاد، جنس، عقیده و رتبه یا جایگاه اجتماعی) به‌عنوان فردی که به گروه انسانی تعلق دارد، رفتار شود، یعنی فردی که دارای استعدادها و قابلیت‌های خاص انسانی است.^۱ همچنین در مقابل مداخلات خودسرانه‌ای که شرایط لازم برای رشد انسانی را به‌هم می‌زنند، حمایت شود و در عین حال تأمین شرایط و اوضاع مناسب برای رشد شخصیت و به فعلیت رساندن استعدادها و ظرفیت‌های انسانی حق اوست. در تفسیر دیگر، کرامت انسانی به‌عنوان یک تکلیف مورد توجه است، به این ترتیب که کرامت با توانایی اندیشه و تفکر عقلانی در انسان ارتباط دارد و به این ترتیب نظامی اخلاقی شکل می‌گیرد که رفتار انسان را به‌گونه‌ای هماهنگ با احترام به کرامت دیگران و خود او هدایت می‌کند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۰ و ۶۱).

مسلم است که کرامت انسانی هنگامی محترم شمرده می‌شود که در چارچوب‌های دقیق‌تر و با لوازم مشخص حقوقی مورد حمایت قرار گیرد.^۲ به‌عبارت دیگر، از این اصل بنیادین باید با رعایت قواعد خاصی پاسداری کرد که از مهم‌ترین آنها تضمین بهره‌مندی انسان‌ها از رفتار انسانی است.

۲. رفتار انسانی، مفهومی بدیهی اما نامعین

حق برخورداری از رفتار انسانی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین و تخطی‌ناپذیر در مجموعه حقوق بشر و یک اصل اساسی حقوق بین‌الملل عرفی^۳، در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی حقوق

۱. به بیان برخی نویسندگان کرامت انسانی را با دو معنای ایجابی و سلبی می‌توان در نظر گرفت که به‌نوعی ملازم با یکدیگر و دو روی یک سکه‌اند. از منظر ایجابی کرامت انسانی به معنای لزوم غایت انگاشتن انسان (اصل غایت) و از دید سلبی به معنای منع ابزار انگاشتن انسان است، به این معنا که هیچ‌کس نباید دیگری را ابزار رسیدن به اهداف خود قرار دهد (ر.ک: راسخ، ۱۳۹۲: ۲۶۶).

۲. آن‌طور که بعضی نویسندگان گفته‌اند، به‌طور کلی روابط پیچیده بین‌المللی ایجاب می‌کند که اندیشه‌های والا و معیارهای انسانی در اندام و چارچوب کنوانسیون‌ها یا معاهدات بین‌المللی درآیند تا الزام عملی پیدا کنند (ر.ک: نوربها، ۱۳۶۸: ۱۹۴).

3. See: International Court of Justice, Ahmadou Sadio Diallo (Republic of Guinea v. Democratic Republic of Congo), 30 November 2010, para.87; Questions relating to the Obligation to Prosecute

بشر تعریف نشده است. دلیل چنین رویکردی نیز دشواری ارائه هر گونه تعریف از این مفهوم به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، توصیف و برشمردن جزئیات رفتار با یک انسان در جایگاه انسانی او و به گونه‌ای متمایز از یک شیء یا حیوان، کاری دشوار و بعضاً خطرناک می‌نماید. در حالی که برشمردن مواردی که با رفتار انسانی در تضاد هستند دشواری کمتری دارد (International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, 1998, para.522).

از سوی دیگر این حق در تمامی اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای^۱ در قالب ممنوعیت «شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز» تبلور یافته است.^۲ اگرچه همان‌طور که خواهیم گفت، ممنوعیت سوءرفتار در قالب اعمالی چون شکنجه و رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز تنها استاندارد حداقلی در احترام به کرامت ذاتی انسان و رفتار انسانی با اوست و رفتار انسانی تنها به این سطح محدود نمی‌شود.

با توجه به دشواری ارائه تعریف از رفتار انسانی می‌توان از تعریف رفتارهای غیرانسانی به عنوان مفهوم متضاد آن کمک گرفت، اگرچه این واژه نیز در هیچ سند بین‌المللی تعریف نشده است. رفتار غیرانسانی در مفهوم عام خود و در معنای سوءرفتار، تمامی اقدام‌هایی را که اصل اولیه رفتار انسانی به‌ویژه احترام به کرامت بشری را نقض می‌کنند (از جمله شکنجه و سایر آسیب‌ها به جسم، روح و سلامت انسان)، در برمی‌گیرد. اما مفهوم خاص رفتارهای غیرانسانی آن‌گونه که از رویه مراجع بین‌المللی قابل برداشت است، به‌عنوان توابع ممنوعیت شکنجه به اقدام‌هایی اشاره دارد که به حد شکنجه نمی‌رسند.

۲.۱. وصف غیرانسانی در رفتار

واژه غیرانسانی به فقدان کاری مطابق با انسانیت معمول یا وجود چیزی در تعارض با آن اشاره

or Extradite (Belgium v. Senegal), 20 July 2012, para. 99

۱. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳۷ عهدنامه حقوق کودک، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ماده ۵ (بندهای ۱ و ۲) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان، ماده ۱۳ منشور حقوق بشر عرب و ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی.

۲. علاوه بر این بعضاً در کنار آن به بیان مصادیق بارز رفتار غیرانسانی (آن هم از باب مثال و نه بیان تمامی موارد) به‌منظور تبیین بیشتر این مفهوم پرداخته‌اند، شیوه‌ای که به‌ویژه در کنوانسیون‌های ژنو در قالب نظام نقض فاحش کنوانسیون‌ها و اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی ذیل عنوان اعمال غیرانسانی در جرائم علیه بشریت دنبال شده است: ماده ۶ منشور نورمبرگ، ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری ویژه یوگسلاوی سابق، ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری ویژه رواندا، مواد ۲۱ و ۲۲ پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری و ماده ۷ اساسنامه رم.

دارد. این صفت را می‌توان از دو منظر توصیف کرد: غیرانسانی از طرف فاعل و غیرانسانی از طرف قربانی. در منظر اول همان‌طور که قاضی فیتز موریس در نظریه جداگانه خود در قضیه ایرلند علیه انگلستان بیان داشته است: «مفهوم رفتار غیرانسانی می‌بایست به انواعی از رفتار محدود گردد که هیچ عضوی از نژاد یا گونه انسانی نباید نسبت به دیگری تحمیل نماید یا نمی‌تواند بدون اینکه به‌طور فاحش و بی‌ژگی انسانیت در وجود خود را نقض کند چنین نماید».

(ECHR, Ireland v United Kingdom, 1978, Sep Opinion Judge Fitzmaurice, para.26)

از منظر دوم یعنی غیرانسانی نسبت به قربانی، غیرانسانی یعنی چیزی که هیچ انسانی نمی‌تواند تحمل کند یا از هیچ انسانی توقع تحمل آن نمی‌رود. در این رویکرد به محدودیت‌های طبیعی انسان توجه می‌شود و رفتار غیرانسانی از این نظر به رفتاری اشاره دارد که نمی‌تواند به شیوه‌ای که شخص مخاطب را به ادامه عملکردهای انسانی مانند خودکنترلی، تفکر منطقی، مراقبت از خود، توانایی صحبت و گفت‌وگو قادر می‌سازد، تحمل شود. البته رفتار غیرانسانی تنها به تحمیل رنج محدود نیست، بلکه در دیگر جنبه‌های زندگی انسانی نیز اعمال می‌شود. به این ترتیب که یک رفتار نسبت به اساسی‌ترین نیازها و روال زندگی انسانی مانند نیاز به خواب، اجابت مزاج، نیاز به نور خورشید، فعالیت بدنی و ارتباطات انسانی بی‌تفاوت باشد، غیرانسانی توصیف می‌شود.^۱

در همین زمینه ناسبام رفتار غیرانسانی را از منظر قابلیت‌های درونی انسان می‌نگرد. در نظر او اعمال خاصی در زندگی انسان ضروری هستند و داشتن قابلیت‌های خاصی است که زندگی فرد را شایسته کرامت انسانی می‌گرداند و انسان‌ها باید قادر باشند این اعمال را به شیوه انسانی، در برابر طریقه حیوانی، انجام دهند. به این ترتیب او ده قابلیت انسانی اساسی را برمی‌شمرد که مقتضیات زندگی با کرامت را شکل می‌دهند و عبارت‌اند از: حیات، سلامت جسمی (تغذیه کافی و سرپناه مناسب)، تمامیت جسمی (آزادی حرکت، رهایی از خشونت از جمله خشونت‌های جنسی و خانگی)، حواس، تخیل و تفکر (قدرت به‌کارگیری حواس و تفکر برای اقدام به شیوه‌ای انسانی که با آموزش صحیح ممکن می‌گردد)، احساسات (قدرت ارتباط با دیگر انسان‌ها)، منطقی کاربردی (توانایی انتخاب و تعیین شیوه زندگی از جمله آزادی اندیشه و مذهبی)، نوع‌دوستی (توانایی زندگی اجتماعی با دیگران)، احترام به دیگر موجودات، گیاهان و طبیعت، بازی و تفریح و کنترل بر محیط (کنترل سیاسی به معنای سهم شدن در تصمیمات سیاسی و کنترل مادی در قالب حق مالکیت، اشتغال و...). رفتار غیرانسانی به معنی از بین بردن یا کاهش این قابلیت‌هاست (Nussbaum, 2003: 41).

۲.۲. رفتار غیرانسانی در رویه قضایی بین‌المللی

همان‌طور که گفتیم اسناد بین‌المللی حقوق بشر تعریفی از رفتار غیرانسانی به‌دست نمی‌دهند و از این رو آنچه نهادهای قضایی و شبه‌قضایی حقوق بشری در توصیف و احراز یک رفتار به‌عنوان رفتار

1. See: Waldron, 2008: 31-35; Also Boulos, 2019: 52

غیرانسانی مطرح می‌کنند، اهمیت بسیاری دارد؛ اگرچه در نهایت تعریف دقیقی از این مفهوم ابراز نشده و معیارهای مشخصی هم برای تفکیک اصطلاحات مختلف ذیل مجموعه سوءرفتار از یکدیگر ارائه نشده است.^۱ به‌طور کلی براساس رویهٔ این نهادها، رفتار غیرانسانی یک فعل یا ترک فعل با قصد عمدی است که موجب رنج و آسیب شدید جسمی یا روانی شده یا حملهٔ جدی به حیثیت انسانی تلقی می‌شود که به‌دلیل فقدان یکی از عناصر اساسی شکنجه، شکنجه محسوب نمی‌شود.

به این ترتیب رفتار غیرانسانی در رویهٔ قضایی بین‌المللی با چند عامل همراه شده است: عمد، طول مدت و رنج جسمی و روانی شدید. در ارزیابی شدت درد و رنج وارده نیز معیار سنجش اغلب توجه به ماهیت رفتار به روش ذهنی است تا عینی. به‌عبارت دیگر، شدت درد و رنج جسمی و روانی نسبی است و به جنس، سن و وضعیت سلامت قربانی بستگی دارد. بنابراین شرایطی که ممکن است برای بیشتر مردم رفتار غیرانسانی محسوب نشود، در مواردی می‌تواند در قالب رفتار غیرانسانی قرار گیرد. برای مثال اعمال جداسازی ۲۸ روزه برای یک زندانی به دلیل جرم انضباطی در مورد شخصی که به بیماری روانی مبتلاست و در معرض خطر خودکشی قرار دارد، رفتار و مجازات غیرانسانی محسوب می‌شود (W.Janis, 2008: 189).

۳.۲. مهم‌ترین مصادیق رفتارهای غیرانسانی در وضعیت محرومیت از آزادی

۳.۲.۱. شرایط نگهداری فرد در بازداشت یا حبس

برای غیرانسانی شمردن برخی اقدام‌ها لازم نیست حتماً اعمال خاصی صورت گیرد، بلکه گاهی قرار دادن افراد در شرایطی خاص بدون هیچ اقدام اضافی خود رفتار غیرانسانی به حساب می‌آید. به این ترتیب یکی از مصادیق عمدهٔ رفتارهای غیرانسانی در شرایط نگهداری محرومان از آزادی در بازداشت یا حبس مطرح می‌شود.^۲ آنتونیو کاسسه در این زمینه می‌گوید شکنجه به اقدام‌های واحد علیه یک فرد اشاره دارد، اما رفتارهای غیرانسانی و همچنین تحقیرآمیز به موقعیت‌ها مربوط می‌شوند. این موقعیت‌ها نتیجهٔ اقدام‌ها و شرایط متعددی هستند که با هم جمع می‌شوند و اگرچه این شرایط با احساس انسانی یک فرد در تعارض قرار دارند، اغلب دشوار است که هدف خاصی را در آنها احراز کرد (D.Evans, 1998: 241-242).

کمیتهٔ حقوق بشر در خصوص شرایط نگهداری مقرر می‌دارد که استانداردهای حداقلی فارغ از سطح توسعه‌یافتگی دولت و حتی اگر ملاحظات اقتصادی و بودجهٔ آنها را با مشکل مواجه

۱. ر.ک: ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۸۴.

۲. در این زمینه شایان ذکر است که جامعهٔ بین‌المللی در تعریف استاندارد رفتار غیرانسانی در خصوص محرومان از آزادی نه تنها شرایط فیزیکی حبس، بلکه آثار روانی آن را نیز در نظر دارد و محاکم و کمیته‌های بین‌المللی معیار جمیع شرایط را برای ارزیابی نقض حقوق این افراد به‌کار می‌گیرند.
See: Miller, 1995: 27

سازد، باید رعایت شوند که عبارت‌اند از فضای فیزیکی حداقل برای هر زندانی، تجهیزات بهداشتی مناسب، لباس، تختخواب و غذای مناسب و مقوی^۱.
به‌طور کلی طبق رویه مراجع بین‌المللی حقوق بشری نقض ممنوعیت رفتار غیرانسانی در قالب شرایط نگهداری به مواردی چون ازدحام بیش‌ازحد جمعیت، تجهیزات بهداشتی نامناسب و امکانات ضعیف دستشویی، تهویه و نور نامناسب، فقدان ارتباطات انسانی کافی و نبود خدمات درمانی مناسب مربوط می‌شود. البته این موارد تنها تعدادی از مصادیقی‌اند که موجب تحمیل شرایط غیرانسانی بر افراد می‌شوند و برای بررسی و تعیین غیرانسانی بودن در هر مورد باید اوضاع و احوال هر قضیه را به‌طور موردی مدنظر قرار داد از قبیل شرایط ویژه شخص، شدت سختی، طول مدت و آثاری که بر فرد وارد می‌شود.^۲

۲.۳.۲. حبس انفرادی

حبس انفرادی یا زندان داخل زندان، که در قواعد استاندارد حداقل برای رفتار با زندانیان به حبس بدون ارتباط انسانی برای ۲۲ ساعت یا بیشتر از یک روز تعریف شده است، به‌خودی‌خود نقض قاعده ممنوعیت رفتار غیرانسانی محسوب نمی‌شود، مگر اینکه به‌صورت طولانی‌مدت و بدون توجیهات معقوله چون رویه‌های انضباطی یا حفاظت از فرد در برابر دیگر زندانیان صورت گیرد. بنابراین حبس انفرادی تنها باید به دلایل خاص جسمی یا روانی یا امنیتی مدنظر قرار گیرد. اما در هر حال باید توجه داشت که همواره باید در دوره‌های زمانی کوتاه به‌کار گرفته شود. چراکه حبس انفرادی طولانی‌مدت با کرامت انسانی مغایر است و خود شکلی از رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز به حساب می‌آید.^۳ این امر اگرچه به‌صراحت در یک سند بین‌المللی منعکس نشده، اما

۱. البته کمیته در این زمینه رویکرد یکدستی نداشته و در مواقعی عدم رعایت شرایط حداقلی را رفتار غیرانسانی و نقض ماده ۷ میثاق دانسته و در مواردی نیز آن را نقض کرامت انسانی مطرح در بند ۱ ماده ۱۰ به‌شمار آورده است، که به‌طور کلی می‌توان گفت در رویه کمیته حقوق بشر مرز میان ماده ۷ و ۱۰ میثاق مبهم است.

ر.ک: جوزف، ۱۳۹۵: ۳۳۳؛ S.Rodley, 1999,286-289

2. European Court of Human Rights:

- Mozer v. The Republic of Moldova and Russia, No. 11138/10,23 February 2016, paras. 179-182

- Pakhomov v Russia, No. 44917/08,30 September 2010, para.61

- Blokhin v. Russia, No. 47152/06, 23 March 2016, para.121

African Commission on Human and Peoples' Rights:

- Communication 292/04: Institute for Human Rights and Development in Africa / Angola,292/04

IHRDA (on behalf of Esmaila Connateh & 13 others) / Republic of Angola, May 2008, paras 50-52

- Communication 368/09 – Abdel Hadi, Ali Radi & Others v Republic of Sudan, 2013, para.74

Inter-American Court of Human Rights:

- Diaz Pena v. Venezuela, 26 June 2012, paras 135-140

- Espinoza Gonzales v. Peru,20 November 2014, para.203

3. See: European Court of Human Rights, Harakchiev and Tolumov v. Bulgaria, Nos. 15018/11 and 61199/12,8 July 2014, para.204; Inter-American Court of Human Rights, J. v. Peru, 27 November

نهادهای مختلفی چون کمیته حقوق بشر، کمیته ضد شکنجه و گزارشگر ویژه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز آن را مورد تأکید قرار داده‌اند.^۱

۲.۳.۳. انجام آزمایش‌های پزشکی یا علمی روی زندانیان

تنها مصداق خاصی از رفتار غیرانسانی، ظالمانه یا تحقیرآمیز که به‌طور مشخص در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته، آزمایش‌های انسانی غیرداوطلبانه است. ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز به‌طور ویژه این را به ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی، ظالمانه و تحقیرآمیز می‌افزاید که هیچ‌کس نباید بدون رضایت آزادانه خود مورد آزمایش‌های پزشکی و علمی قرار گیرد و این اقدام را شکل خاصی از شکنجه یا سوءرفتار به‌شمار می‌آورد. البته میثاق صرفاً رضایت آزادانه شخص را ملاک قرار می‌دهد و توجهی به ضرورت پزشکی ندارد. اما می‌توان گفت درمان آزمایشی تنها باید به‌عنوان آخرین چاره و در قالب ضرورت پزشکی انجام گیرد و در هیچ شرایطی نباید بدون پذیرش بیمار صورت گیرد. موضوع رضایت به‌ویژه در جایی اهمیت می‌یابد که آزمایش با هدف تغییر رفتار مجرمان یا اجرای نظم در اماکن کیفری انجام می‌شود. امکان سوءاستفاده از چنین روش‌های تغییر رفتار یا بازپروری اجباری بسیار زیاد است،

2013, para.376

1. See: Human Rights Committee, General Comment No. 20, UN Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 30, 1994, para.6 also: Human Rights Committee, *McCallum v. South Africa*, UN Doc. CCPR/C/100/D-1818/2008 (2010), para. 6.5

UN Special Rapporteur on torture, UN Doc. A/66.268, 5 August 2011, para. 81

Committee Against Torture, Concluding Observations: USA, UN Doc. CAT/C/USA/CO/2 (2006), para. 36

حبس انفرادی به‌خودی‌خود و حتی در صورت شرایط مناسب محیطی، از طریق فقدان ارتباطات اجتماعی و کاهش محرک‌های محیطی می‌تواند موجب بروز آسیب روانی شود، عملکردهای ذهنی را کاهش دهد و حتی موجب ناتوانی در تمرکز و اشکال شدید اختلال روانی مانند اختلال شخصیت، توهم و هذیان شود. علاوه بر این سلامت فیزیکی فرد در این شرایط مورد تهدید واقع می‌شود، چون میل به خشم، نفرت، خشونت و حتی خودکشی در او تقویت می‌گردد. به این ترتیب می‌توان گفت ماهیت و هدف از این عمل بیشتر مجازات است تا اصلاح و آسیب حاصل از آن هیچ‌گونه هدف کیفری در بر ندارد، به‌عبارت دیگر نه‌تنها از جرم پیشگیری نمی‌کند، بلکه روند اصلاح را نیز مختل می‌سازد و از همین رو زندانیانی که مدت طولانی به‌صورت انفرادی محبوس بوده‌اند، پس از آزادی نیز برای ورود دوباره به جامعه با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند.

See: Vasiliades, 2005: 77

آن‌طور که کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه و سایر سوءرفتارها بیان کرده، مهم‌ترین پیامد حبس انفرادی تمایل به خودکشی است و در عمل نیز نشان داده شده که نرخ خودکشی در میان این دسته از زندانیان نسبت به سایر جمعیت زندان بالاتر بوده است. بر همین اساس استفاده حداقل از حبس انفرادی به‌طور مکرر توسط کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه و سایر سوءرفتارها مورد تأکید قرار گرفته است.

See: European Committee for the Prevention of Torture and Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (CPT):

9th General Report, 1999, para.15; 11th General Report, 2001, para.16; 21st General Report, 2011, para.37; 24th General Report, 2015, paras.56-57. available at <http://www.cpt.coe.int/en/annual/rep>

حتی اگر با رضایت زندانی همراه باشند. رضایت آزادانه واقعی باید مبتنی بر ارائه اطلاعات کامل در خصوص جریان آزمایش و به طور مطلق داوطلبانه و بدون اجبار یا تحریک نامناسب (مثلاً کاهش مدت محکومیت یا بهبود شرایط و مانند آن) باشد (Nowak, 1993: 298-300).

تضمین حق برخورداری از رفتار انسانی

حق محرومان از آزادی به برخورداری از رفتار انسانی تنها به عدم اعمال شکنجه و رفتارهای غیرانسانی محدود نمی‌شود، بلکه متضمن اقدام‌های فعالانه مقامات دولتی و به‌ویژه مسئولان زندان‌ها برای فراهم ساختن پیش‌شرط‌هایی است که این اشخاص بتوانند تحت آنها، به‌طور عملی از حقوق خود بهره‌مند شوند، تعهداتی که اغلب به شرایط مراکز بازداشت یا زندان و تحقق حقوق مختلف جسمی و روانی افراد در آنها مرتبط‌اند (Van Kempen, 2008: 21). به این ترتیب رفتار مطابق با انسانیت در چنین شرایطی به این معناست که افراد و گروه‌های مختلف را به‌عنوان انسان‌هایی با نیازها، تمایلات و نقاط ضعف و قوت خاص در نظر بگیریم و شرایط زندگی مبتنی بر کرامت را برای آنها فراهم کنیم.

۱. محتوای رفتار انسانی در قالب زندگی مبتنی بر کرامت انسانی

تعریف رفتار انسانی یا مطابق انسانیت در شرایط محرومیت از آزادی در قالب چهار عامل اساسی قابل ارائه است: حفظ کرامت انسانی، احترام به شخصیت فردی (فردیت)، حمایت از زندگی خانوادگی و ارتقای حس مسئولیت و رشد فردی (Coyle, 2003: 36).
حفظ کرامت انسانی تمامی وجوه زندگی در زندان را در ارتباط با تمامیت فردی در برمی‌گیرد. به این ترتیب حفظ کرامت زندانیان اقتضا می‌کند که در فضایی پاکیزه و شایسته احترام نگهداری شده و بدن آنها تنها در صورت ضرورت و به‌گونه‌ای محترمانه تفتیش شود. همچنین استفاده از الفاظ توهین‌آمیز نسبت به زندانیان نیز نقض کرامت انسانی آنها به‌شمار می‌آید. احترام به فردیت نیز به رفتار با هر فرد به شیوه متناسب با وضعیت او مربوط بوده و به معنای در نظر گرفتن زندانیان به‌عنوان اشخاص و نه اشیاست. پاسخگویی سریع و به‌موقع به نیازهای این افراد و بسیاری از مسائلی که در ارتباط روزانه کارکنان با زندانیان پیش می‌آید، در این مفهوم جای می‌گیرند (Coyle, 2003: 38-39).

با توجه به اینکه یکی از بزرگ‌ترین رنج‌های محرومیت از آزادی محروم شدن از زندگی خانوادگی است، حمایت از پیوندهای خانوادگی در تعریف رفتار انسانی نقش اساسی دارد. تعداد و مدت زمان ملاقات و فضای انجام آن، رفتار با خانواده‌ها هنگام ملاقات با اعضای خود در زندان و میزان حریم خصوصی که در این شرایط رعایت می‌شود، عوامل ارزیابی رفتار انسانی محسوب می‌شوند.

در نهایت ارتقای حس مسئولیت و رشد فردی که به سه عامل قبلی بستگی دارد و در واقع از آنها نشأت می‌گیرد، به این معناست که زندان باید محیطی باشد که زندانیان را قادر سازد استعدادها و مهارت‌های خود را پرورش دهند. احترام به کرامت ذاتی یک انسان متضمن احترام به ظرفیت و توانایی او در رشد و انجام فعالیت‌هایی است که عزت نفسش را افزایش می‌دهد.^۱ این افراد باید فرصت داشته باشند تا جرائمی را که مرتکب شده‌اند، جبران کرده و تا حدی که در زندان امکان‌پذیر است، به دیگر انسان‌ها کمک کنند. ارتقای حس مسئولیت همچنین به این معناست که تا حد ممکن به زندانیان آزادی عمل داده شود تا تصمیم بگیرند چگونه با برخورداری از فرصت کار، آموزش و دیگر فعالیت‌ها زمان خود را در زندان سپری کنند.^۲

۲. ماهیت تعهد دولت‌ها به فراهم نمودن شرایط زیست انسانی کرامت‌مند

حقوق بشر معیار و ملاکی هستند که رفتار مشروع براساس آنها سنجیده می‌شود (Amatrudo, 2015:141). همچنین این حقوق استانداردهای اولیه‌ای هستند که انسان‌ها بدون آنها قادر به زندگی با کرامت نیستند و از این رو نقض حقوق بشری یک فرد به معنای رفتار با او به گونه‌ای است که گویی انسان نیست (Davis, 2016: 4). از سوی دیگر، پیامد ذاتی و ناگزیر محرومیت از آزادی از دست دادن حق یک فرد بر آزادی است، اما این امر اغلب تحقق عملی دیگر حقوق را نیز تا حدی با محدودیت مواجه می‌کند. در عین حال این امر نباید ابزاری برای مأموران دولت باشد تا از طریق آن افراد را از حقوق انسانی خود محروم سازند. به بیان برخی نویسندگان حبس انسان‌ها را از آزادی‌شان محروم می‌کند نه از آزادی‌هایشان.

۱. از منظر سازمان بهداشت جهانی ارتباط روشنی میان عزت نفس و کرامت زندانیان به‌عنوان انسان و فرصت رشد فردی و اجتماعی و تقویت حس مسئولیت وجود دارد و رفتار انسانی و مطابق با احترام به افزایش فرصت رشد شخصیتی این افراد منجر می‌شود.

See: World Health Organization (Regional Office for Europe) Health in Prison Project, Consensus Statement on Mental Health Promotion in Prisons, 1998, para.3. available at: www.euro.who.int

۲. یکی از توجیهات اساسی لزوم رفتار انسانی با زندانیان و ایفای حقوق بشری مختلف آنها، فراهم ساختن زمینه بازپروری و جامعه‌پذیری مجدد آنان پس از آزادی از زندان است، چراکه تنها در این صورت است که می‌توان گفت حبس به هدفی که از آن انتظار می‌رود، یعنی اصلاح فردی و تغییر رفتار مجرمانه در راستای حفظ منافع کلان جامعه انجامیده است. به عبارت دیگر، برخلاف تفکراتی که در گذشته بر عدالت کیفری سایه انداخته بود و براساس آنها فرد مجرم با ارتکاب جرم از دایره اعضای جامعه حذف می‌شد، کیفرشناسی مدرن در چارچوب حبس انسانی یا انسان‌مدار در پی کاهش خلأ و فاصله میان دوگانه زندان/زندانیان و جامعه/شهروندان است و در این تفکر اصل مسلم آن است که اگر با زندانیان به‌عنوان اعضای جامعه و نه پردشدگان از آن رفتار شده و حقوق انسانی آنها محترم شمرده شود، شانس بیشتری برای اصلاح و بازپروری به‌دست خواهند آورد. 141 See: Bird, 2011: 96; also Amatrudo, 2015:

بنابراین محرومان از آزادی از تمام حقوق انسانی خود برخوردار می‌شوند، مگر آنها که به موجب قانون و در حکم محکومیت از آنها سلب شود (Murdoch, 2006: 237-239). رابطه میان دولت و این افراد نیز به گونه‌ای است که زندگی آنها تحت کنترل کامل مأموران دولتی قرار دارد و همین امر سطح بالاتری از مسئولیت را در حفظ حیات و تأمین نیازهای آنان برای دولت ایجاد می‌کند.^۱ کمیته حقوق بشر در همین زمینه مقرر می‌کند که اشخاص محروم از آزادی از تمامی حقوق مندرج در میثاق با توجه به محدودیت‌هایی که به‌طور ناگزیر در محیط بسته وجود دارد، بهره‌مند می‌شوند. دیوان اروپایی نیز تفاوت در رفتار میان زندانیان و افراد آزاد را در صورتی که توجیه معقول و منطقی نداشته باشد، تبعیض‌آمیز دانسته^۲ و دیوان آمریکایی نیز به لزوم محدود کردن کاستی در ایفای حقوق در پی محرومیت از آزادی اشاره دارد.^۳

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت به‌عنوان یک اصل الزام‌آور حقوق بین‌الملل بشر زندانیان از تمامی حقوق افراد آزاد به‌جز حق آزادی بهره‌مندند و مأموران دولتی تعهد دارند که این حقوق را با توجه به نیازهای خاص گروه‌های مختلف به‌طور عملی در زندان تضمین کنند. بی‌شک چنین تعهدی از تعهد به تضمین حقوق بشر در جامعه متمایز است. به این ترتیب در حالی که تضمین حقوق بشر در خصوص افراد معمولی یک جامعه اغلب به این معناست که دولت چنین حقوقی را نقض نکند (تعهد منفی)، در مورد محرومان از آزادی تحقق چنین امری به‌طور معمول نیازمند آن است که مأموران دولت فعلاً شرایط و پیش‌زمینه‌هایی را فراهم کنند که این افراد بتوانند تحت آنها عملاً از حقوق خود بهره‌مند شوند (تعهد مثبت). ماهیت و اساس بسیاری از این تعهدات به‌طور نزدیکی با تعهدات مثبت دولت نسبت به افراد آزاد مطابقت دارد، مانند تعهد به برگزاری انتخابات آزاد و امکان مشارکت در رأی دادن. اما بسیاری از آنها نیز به این دلیل که دولت با محروم ساختن فرد از آزادی خود تعهد به عدم نقض حق بر آزادی را زیر پا می‌گذارند، به وجود می‌آیند؛ به‌طور مثال تضمین کامل حق آزادی عقیده یا مذهب به‌طور معمول نیازمند عدم دخالت دولت و مأموران آن در زندگی افراد است. اما در مورد محرومان از آزادی تضمین این حق با توجه به محدودیت‌های موجود موجب می‌شود که مأموران زندان ملزم شوند تا امکاناتی در راستای مکان عبادت، رژیم غذایی خاص یا ملاقات با نمایندگان مذهبی فراهم کنند (Van Kempen, 2008: 21-22).

به این ترتیب افرادی که از آزادی خود محروم می‌شوند، نه تنها نباید مورد رفتاری مغایر با کرامت ذاتی خود قرار گیرند، بلکه حق مثبتی دارند تا براساس احترام شایسته کرامت انسانی با

1. African Commission on Human and Peoples' Rights, Malawi African Association and Others v Mauritania, Nos.54/91, 61/91, 98/93, and 210/98, 2000, para. 122

2. European Court of Human Rights, Shelley v The United Kingdom, No.23800/06, 4 January 2008, para.22

3. Inter-American Court of Human Rights, Montero Aranguren et al v Venezuela, 5 July 2006, para.86

آنها رفتار شده و حقوق آنان همانند انسان‌های آزاد تضمین شود. حق افراد محروم از آزادی به رفتار انسانی اگرچه به‌طور صریح در زمره حقوق تعلیق‌ناپذیر در میثاق نیامده است، کمیته حقوق بشر آن را بیان یک قاعده حقوق بین‌الملل دانسته که به‌هیچ‌وجه از انسان‌ها سلب‌شدنی نیست. به‌عبارت دیگر کمیته ماده ۱۰ را در پیوند با ماده ۷ میثاق و در دسته حقوق تعلیق‌ناپذیر جای می‌دهد (رنجیریان، ۱۳۸۴: ۱۵۴). این یک حق مطلق است که در موارد اضطراری نظیر جنگ، آشفتگی‌های سیاسی و دیگر فوریت‌های داخلی و بین‌المللی نیز هیچ‌کس خدش‌های نباید به آن وارد آید. به همین ترتیب دولت‌ها نمی‌توانند برای توجیه شرایط دشوار زندگی در حبس، مشکلات اقتصادی و کمبود منابع را دستاویز قرار دهند و خود را از مسئولیت برهانند.^۱ به‌عبارت دیگر، اگر دولت حق دارد که افراد را به هر دلیلی از آزادیشان محروم سازد، باید این تعهد را نیز داشته باشد که تضمین کند با آنها به شیوه‌ای انسانی رفتار می‌شود. این امر که سایر شهروندان ممکن است شرایط زندگی دشواری داشته باشند، هیچ‌گاه نمی‌تواند توجیهی برای قصور از رفتار انسانی با محرومان از آزادی به حساب آید.

۳. تفسیر وسیع‌تر مفهوم «رفتارهای غیرانسانی» به‌منظور حمایت مؤثرتر از محرومان از آزادی

همان‌گونه که برخی نویسندگان بیان داشته‌اند، حق بر رفتار انسانی در ماده ۱۰ میثاق در معنای وسیع خود شامل ممنوعیت رفتارهای غیرانسانی و شکنجه طی محرومیت از آزادی، حق بر رفتار خاص بر پایه وضعیت محکومیت (جدایی متهمان از محکومان) و حق دریافت عدالت ترمیمی و رفتارهای اصلاح‌گرایانه در راستای کمک به بازپروری اجتماعی محرومان از آزادی است.^۲ به این ترتیب در تحقق رفتار انسانی نسبت به محرومان از آزادی و فراهم کردن زیست‌مبتنی بر کرامت انسانی^۳ این افراد، مجموعه‌ای از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خصوص آنان ضرورت پیدا می‌کنند که اجرای آنها برخلاف ویژگی معمول این دسته از حقوق که به منابع دولت وابسته‌اند، در تمامی شرایط الزامی است. به‌عبارت دیگر، مطرح شدن چنین حقوقی در خصوص محرومان از آزادی به‌نوعی ماهیت الزام‌آوری موجود در آنها را تقویت می‌کند. در همین زمینه کاسسه معتقد است ممنوعیت رفتار غیرانسانی باید در خصوص موارد نقض

1. Inter-American Court of Human Rights, *Montero Aranguren and others v Venezuela*, 5 July 2006, para.85

2. See: Halder, 2014: 104-106

۳. به بیان بعضی نویسندگان، اندیشمندان جدید حمایت از کرامت و منزلت انسانی را عبارت از پاسخگویی به خواسته‌های ارزشی هشتگانه انسانی یعنی احترام، قدرت، روشنگری، خوشبختی، سلامتی، مهارت، محبت و راستی دانسته‌اند (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

شدید حقوق اقتصادی و اجتماعی انسان‌ها به کار رود. به این ترتیب مفهوم رفتار غیرانسانی پلی خواهد بود که حقوق مدنی و سیاسی را به عرصه وسیع حقوق اقتصادی و اجتماعی متصل می‌سازد (Cassese, 1991: 141).

از سوی دیگر همان‌طور که گفتیم، از منظر برخی صاحب‌نظران رفتار غیرانسانی به‌طور کلی به معنای از بین بردن یا کاستن ویژگی‌ها و قابلیت‌های درونی انسان است. به این ترتیب در رفتار غیرانسانی می‌توان میان دو سطح از رفتار تمایز قائل شد. در سطح اول وضعیت به‌گونه‌ای است که زندگی انسانی به‌حدی تضعیف می‌شود که دیگر شایسته وصف انسانی نیست و فرد با زندگی در شرایط نباتی دائم حتی قادر به تشخیص بستگان خود نیست و قدرت تفکر و منطقش را نیز از دست می‌دهد. اما در سطح دوم زندگی انسانی همچنان وجود دارد، اما زندگی مناسبی نیست چون توانایی‌ها و قابلیت‌های انسانی فرد در آن کاهش یافته است (Boulos, 2019: 59).

آنچه اغلب در رویه قضایی بین‌المللی در احراز رفتار و شرایط غیرانسانی مبنای عمل قرار گرفته است، بیشتر به سطح اول از این رفتار نزدیک است. چون از منظر این نهادها رسیدن به حداقلی از شدت در احراز رفتار غیرانسانی نسبت به محرومان از آزادی ضروری دانسته شده که البته یکی از دلایل آن می‌تواند ناشی از همراهی این واژه با واژه شکنجه و مقایسه طبیعی آن با چنین مفهومی باشد. این در حالی است که در شرایط محرومیت از آزادی و زندگی در زندان، آسیب به شخصیت و توانایی‌های انسانی به تدریج و طی زمان و در قالب محدودیت در برخورداری از حقوق انسانی مانند آزادی ابراز عواطف و برقراری روابط انسانی، اندیشه و مذهب، دسترسی به آموزش، اشتغال، مشارکت‌های سیاسی و دیگر حقوق رخ می‌دهد. به این ترتیب ضروری است تا هر گونه رفتار یا شرایطی را که محرومان از آزادی را از پاسخگویی به نیازهای انسانی خود باز می‌دارد، در مفهوم رفتار غیرانسانی بگنجانیم و تا حد امکان از توسل به معیار شدت اجتناب ورزیم. به عبارت دیگر، نفس محرومیت از آزادی و شرایط خاص حاکم بر آن اقتضا می‌کند که رفتار غیرانسانی را در معنای عام و موسع خود یعنی تمامی اعمالی که با کرامت و شخصیت انسانی انسان‌ها سازگار نیستند، تعریف کنیم تا به این طریق بتوانیم حمایت گسترده‌تری را از محرومان از آزادی به عمل آوریم.

۴. سازوکارهای عملی حمایت از حقوق محرومان از آزادی

از آنجا که نقض حقوق بشری محرومان از آزادی پشت درهای بسته رخ می‌دهد و در بسیاری موارد هیچ ابزار مؤثری برای اعلام آن وجود ندارد، وجود سازوکارهای مناسب شکایت و نظارت موجب می‌شود تا حقوق بشری این افراد هرچه بیشتر به واقعیت نزدیک شود. از سوی دیگر، پاسخگویی به شکایات آنها در خصوص نقض حقوقشان در شناسایی کرامت انسانی آنان نیز نقش مهمی دارد.

به‌طور کلی حق بر دادخواهی و به‌دنبال آن جبران خسارت افراد زیان‌دیده، از حقوق اساسی انسانی محسوب می‌شود. در موارد نقض حقوق بشر نیز دولت‌ها متعهد به تضمین حق دادخواهی و دسترسی به مراجع صالح قضایی برای قربانیان هستند و به این تعهد هیچ‌گونه قید و شرطی وارد نیست (عبدالهی و بهبودیان، ۱۳۹۲: ۲۴۵). براساس «اصول اساسی و رهنمودهای جبران خسارت قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»^۱، تمامی قربانیانی که حقوق بشری آنها نقض شده، از امکان دسترسی برابر و مؤثر به عدالت و جبران کافی، سریع و مؤثر خسارتی که متحمل شده‌اند، برخوردارند. جبران خسارت باید تمامی آسیب‌های جسمی یا روحی و فرصت‌های از دست‌رفته شامل کار، تحصیلات و منافع اجتماعی را در برگیرد و از سوی دیگر در قالب دسترسی به نهادهای قضایی و اداری داخلی و نیز رویه‌های بین‌المللی قابل مطالبه باشد.^۲

به این ترتیب پیش‌بینی حقوق مختلف محرومان از آزادی در قوانین داخلی و امکان مراجعه به محاکم ملی به‌منظور رسیدگی به موارد نقض از مهم‌ترین ابزارهایی است که تحقق رفتار انسانی در این وضعیت را به واقعیت نزدیک می‌سازد و جبران مناسبی برای نقض حقوق انسانی این افراد فراهم می‌آورد. همچنین مراجعه به نهادهای قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی و منطقه‌ای اگرچه با شرایط خاصی همراه بوده و در اساس به‌نوعی به اراده دولت‌ها وابسته است، نقش مؤثری در تحقق حقوق انسانی محرومان از آزادی از رهگذر تأیید مراجع بین‌المللی ایفا می‌کند. در این زمینه نهادهایی چون کمیته حقوق بشر و کمیته منع شکنجه با پیش‌بینی سازوکار شکایت فردی به ارزیابی عملکرد دولت‌ها در اجرای تعهدات خود در قبال محرومان از آزادی بپردازند و در مواردی که نقض حقوق این افراد را احراز کنند، دولت را به جبران خسارت متعهد می‌سازند. دیوان‌های اروپایی، آمریکایی و آفریقایی حقوق بشر نیز به همین ترتیب سهم مؤثری در جبران خسارت نقض حقوق محرومان از آزادی دارند.

اما گذشته از تمامی این ظرفیت‌ها که همگی پس از وقوع حادثه و در جهت احراز مسئولیت و جبران خسارت فعال می‌شوند، نظارت بر شرایط نگهداری و رفتار با افراد محروم از آزادی از طریق بازدیدهای منظم و اعلام‌نشده از مهم‌ترین روش‌های پیشگیری از سوءرفتار با این افراد و نیز پاسخگویی به اعتراضات آنها در خصوص نقض حقوقشان به‌حساب می‌آید. رویکرد نظارت پیشگیرانه در قالب ارائه توصیه‌های دقیق به‌منظور کاهش یا حذف عوامل خطر، آینده‌نگر است و در طولانی‌مدت به ایجاد محیطی کمک می‌کند که در آن احتمال نقض حقوق انسانی کاهش یافته است. وقتی رویکرد پیشگیرانه وجود داشته باشد، ارزیابی اطلاعات

1. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, A/RES/60/147, 16 December 2005

2. principles 11,12, 14,20

به دست آمده موجب می شود ریشه های احتمالی به سوء رفتار و زیر پا گذاشتن حقوق انسان ها شناسایی منتهی شوند (APT, 2013: 16).

نظارت بر شرایط نگهداری از محرومان از آزادی پیش از هر چیز وظیفه مقامات داخلی مسئول این افراد است. به این ترتیب برای نظارت بر اجرای دقیق قوانین و مقررات، اماکن نگهداری باید به طور منظم توسط افراد کارآموده و باتجربه ای که توسط مقامی به جز مسئول مستقیم مدیریت این اماکن انتخاب شده اند، بازدید شوند. افزون بر این وجود سازوکارهایی که ماهیت مستقلی دارند، می تواند به صورت مناسب تری اهداف نظارت در راستای حمایت از محرومان از آزادی را تأمین کند. نظارت مستقل به بهترین نحو توسط نهادهای ملی حقوق بشر صورت می گیرد. این نهادها قادرند به بازرسی از اماکن محرومیت از آزادی و ارزیابی وجوه مختلف زندگی افراد در آنها بپردازند و گزارش های دقیقی با پیشنهادهای مشخص و قابل دستیابی به نهادهای حکومتی، معمولاً پارلمان ها، ارائه کنند.

در سطح بین المللی نیز نظارت بر اجرای تعهدات حقوق بشری دولت ها اغلب در قالب سیستم گزارش دهی به نهادهای بین المللی حقوق بشری صورت می گیرد. در این خصوص شورای حقوق بشر از طریق مکانیسم ارزیابی دوره ای جهانی^۱، اجرای حقوق بشر و از جمله حقوق محرومان از آزادی را در تمامی کشورهای عضو ملل متحد ارزیابی می دهد. همچنین می توان از فعالیت گزارشگر ویژه در خصوص شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز یاد کرد که زیر نظر شورا به فعالیت می پردازد.^۲

اما بعد مهم تر نظارت که از طریق بازدید در محل انجام می شود، امری است که در قالب پروتکل الحاقی به کنوانسیون منع شکنجه و فعالیت کمیته فرعی پیشگیری از شکنجه^۳ میسر شده است. دولت ها با پیوستن به این پروتکل امکان دسترسی کمیته به اماکن محرومیت از آزادی در محدوده تحت صلاحیت خویش و برقراری ارتباط مستقیم با این افراد را فراهم می کنند. کمیته نیز با ارزیابی وضعیت یک کشور و نحوه رفتار با افراد محروم از آزادی، نواقص شناسایی شده در قوانین و رویه های اجرایی و هر رفتاری که به طور بالقوه امکان بروز سوء رفتار را فراهم می کند، در گزارشی منعکس می سازد. در همین چارچوب کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه و رفتارها یا مجازات های غیرانسانی و تحقیرآمیز و کمیته پیشگیری از شکنجه در آفریقا

1. Universal Periodic Review (UPR)

۲. در منطقه آفریقا نیز گزارشگر ویژه زندان ها، شرایط بازداشت و پلیس از سوی کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردمان در راستای ارزیابی وضعیت اشخاص محروم از آزادی در قلمرو دولت های عضو منشور آفریقایی به فعالیت می پردازد. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز گزارشگر حقوق افراد محروم از آزادی در آمریکا را جهت چنین هدفی منصوب کرده است.

3. Optional Protocol to the Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, A/RES/57/199, 8 December 2002

نیز در راستای نظارت بر عملکرد دولت‌ها در رفتار با محرومان از آزادی و پیشگیری از نقض حقوق این افراد در سطح منطقه‌ای به فعالیت می‌پردازند.

نتیجه‌گیری

محرومیت از آزادی افراد را با شرایط ویژه‌ای مواجه می‌سازد و تمامی وجوه زندگی آنها را تحت کنترل کامل مأموران دولت قرار می‌دهد. محرومان از آزادی در چنین شرایطی نه تنها در برابر اشکال مختلف سوءرفتار از سوی مأموران دولتی آسیب‌پذیرند، بلکه احقاق حقوق بشری آنها نیز به‌طور کامل به عملکرد این افراد وابسته است و در عمل نیز با محدودیت روبه‌رو می‌شود. به‌رغم اهمیت بنیادین رفتار انسانی نسبت به چنین افرادی، این مفهوم در اسناد حقوق بشری تعریف نشده و مفهوم و گستره آن مبهم باقی مانده است. اما با توجه به آنچه از نظرهای اندیشمندان و نیز یافته‌های نهادهای حقوق بشری قابل دریافت است، می‌توان آن را در درجه اول به معنای عدم ارتکاب سوءرفتار و مهم‌تر از آن فراهم ساختن شرایط زیست انسانی مبتنی بر کرامت در قالب اجرای حقوق مختلف این افراد تعریف کرد. چنین تعریفی همچنین نیازمند تفسیر موسع عبارت رفتار غیرانسانی به‌صورتی است که تمامی موارد نقض (نه تنها نقض شدید) حقوق مرتبط با نیازهای گوناگون انسانی را در برگیرد، چراکه در واقع زندگی مبتنی بر کرامت انسانی جز با پاسخگویی به کلیه نیازها و حقوق بشری معنا نخواهد یافت.

از سوی دیگر بهبود عملی وضعیت محرومان از آزادی نیازمند اراده عمومی به‌منظور اجرای حقوق این اشخاص و احترام به کرامت ذاتی آنهاست. پیش‌بینی قواعد حمایتی در حقوق داخلی، تقویت محاکم ملی در رسیدگی به موارد نقض، موافقت با ارائه شکایت فردی نزد مراجع بین‌المللی و برقراری امکان دسترسی نهادهای ناظر به اماکن محرومیت از آزادی اجرای تعهد دولت‌ها را در این زمینه ممکن می‌سازند. در این میان بهره‌گیری از ظرفیت سازوکارهای نظارتی با اهداف پیشگیرانه بسیار بیشتر از رسیدگی‌های مراجع قضایی و شبه‌قضایی حقوق بشری که صرفاً در پی تعیین مسئول و جبران خسارت پس از نقض هستند، می‌تواند در تحقق رفتار انسانی در محرومیت از آزادی نقش‌آفرین باشد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ابراهیمی، محمد (۱۳۸۹)، تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: خرسندی.

۲. جوزف، سارا؛ شولتز، جنی؛ کسن، ملیسا (۱۳۹۵)، *میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دعاوی، آموزه‌ها و تفاسیر*، ترجمه قاسم زمانی و همکاران، ج ۱، تهران: شهر دانش.
۳. رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، *کرامت انسانی در حقوق کیفری*، تهران: میزان.
۴. شایگان، فریده و دیگران (۱۳۸۲)، *تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر*، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۵. شمس، علی (۱۳۹۴)، *آسیب‌شناسی زندان*، تهران: جامعه‌شناسان.
۶. عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (سه نسل حقوق بشر در اسلام، ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای)*، تهران: دادگستر.

ب) مقالات

۷. راسخ، محمد (۱۳۸۸)، «نظریه حق»، در: کمیسیون حقوق بشر اسلامی، *حقوق بشر در جهان معاصر، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوقدانان و فقهای ایرانی*، انتشارات آیین احمد، چ اول، ص ۴۲۰-۳۸۳.
۸. ----- (۱۳۹۲)، «مفهوم کرامت ذاتی انسان»، در: زمانی، قاسم، *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱*، مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص ۲۶۹-۲۶۵.
۹. رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۴)، «جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین‌الملل معاصر»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۷۰، ص ۱۸۴-۱۴۷.
۱۰. عبدالهی، محسن؛ بهبودیان، بهروز (۱۳۹۲)، «جبران خسارت از قربانیان نقض‌های شدید حقوق بشر: از حقوق قراردادی تا رویه قضایی»، *تحقیقات حقوقی*، ویژه‌نامه شماره ۱۵، ص ۲۶۲-۲۳۵.
۱۱. کلارنس، دایاس (۱۳۸۹)، «هویت، کرامت، فرهنگ و حقوق بشر»، ترجمه رضاعلی قلی‌پور، *حقوق بشر*، دوره پنجم، ش ۱، ص ۳۶-۱۹.
۱۲. نوریها، رضا (۱۳۶۸)، «شکنجه در کنوانسیون ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد»، *مجله کانون وکلا*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹، ص ۲۱۳-۱۹۱.
۱۳. وندنروز، جواد (۱۳۹۲)، «اقدامات ایالات متحده آمریکا در قبال تروریسم از منظر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه (مورد مطالعه گوانتانامو)»، *اندیشمندان حقوق*، ش ۶، ص ۱۴۶-۱۳۳.
۱۴. هاشمی، محمد (۱۳۸۸)، «حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر از تئوری تا عمل»، در: کمیسیون حقوق بشر اسلامی، *حقوق بشر در جهان معاصر، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوقدانان و فقهای ایرانی*، انتشارات آیین احمد، چ اول، ص ۲۳۸-۲۰۵.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Amatrudo, Anthony & William Blake, Leslie (2015), *Human Rights and The Criminal Justice System*, Routledge.
2. APT, (2013), *Monitoring Police Custody, A Practical Guide*
3. Coyle, Andrew (2003), *Humanity in Prison, Questions of Definition and Audit*, International Centre for Prison Studies.
4. D.Evans, Malcolm & Morgan, Rod (1998), *Preventing torture: a study of the European convention for the prevention of torture and inhuman or degrading treatment of punishment*, Clarendon press, oxford.
5. J Towl, Graham & A Crighton, David (2017), *Suicide in Prisons, Prisoners` Lives Matter*, Waterside Press.
6. Lehtmetts Andres & Pont, Jorg (2014), *Prison Health Care and Medical Ethics*, Council of Europe.
7. Murdoch, Jim (2006), *The Treatment of Prisoners, European Standards*, Council of Europe.
8. Nowak, Manfred (1993), *UN Covenant on Civil And Political Rights, CCPR Commentary*, first edition, N.P.Engel publisher
9. Rickford, D, (2003), *Trobled Inside: Responding to the Mental Health Needs of Women in Prison*, Prison Reform Trust.
10. S.Rodley, Nigel (1999), *The treatment of prisoners under international law*, second edition, Clarendon press, oxford.
11. United Nations Office on Drugs and Crime, (2008), *HIV and AIDS in Places of Detention*.
12. Van Zyl Smit, Dirk & Sonja Snacken (2009), *Principles of European Prison Law and Policy: Penology and Human Rights*, Oxford University Press
13. W.Janis, Mark (2008), *European Human Rights Law*, Oxford University Press, Third Edition.

B) Articles

14. Alzina de Aguilar, José Pablo (2011), "Human dignity according to international instruments on human rights", *Revista Electronica De Estudios Internacionales*, Vol. 22, pp.1-24.
15. Ball, w David, "Mentally Ill Prisoners in The California Department of Corrections and Rehabilitation: Strategies for Improving Treatment and Reduction Recidivism", *Journal of Contemporary Health Law and Policy*, Vol.24, 2007-2008, pp.1-42.
16. Bird, Hayden & Albertson, Katherine (2011)," Prisoners As Citizens, Big Society and The Rehabilitation Revolution: Truly Revolutionary ? ", *British Journal of Community Justice*, Vol.9, pp.93-109.
17. Boulos, Sonia, (2019), "Towards Reconstructing the Meaning of Inhuman Treatment or Punishment: A Human Capability Approach ", *The Age of Human*

Rights Journal, Vol. 12, pp.35-61.

18. Cassese, Antonio (1991), "Can the Notion of Inhuman and Degrading Treatment Be Applied to Socio-Economic Conditions ", *European Journal of International Law*, Vol.2, pp.141-145.
19. Davis, Anne (2016), "The Ongoing Struggle for Ethical Ideals: Justice and Human Rights ", in Hatton, Diane C and Fisher, Anastasia A (eds), *Woman Prisoners and Health Justice*, CRC Press, pp.1-12.
20. Halder, Debarati (2014), "Woman Prisoners and Their Rights ", in Jaishankar, K and Others (eds), *Indian Prisons Towards Reformation, Rehabilitation and Resocialization*, Atlantic Publishers and Distributers, pp.98-121.
21. Miller, Nan D., (1995)," International protection of the rights of prisoners; Is Solitary Confinement in The United States a Violation of International Standards? ", *California western international law journal*, Vol.26,No.1, pp.139-172.
22. Nussbaum, M, (2003), "Capabilities as Fundamental Entitlements: Sen and Social Justice", *Feminist Economics*, Vol. 2, pp.33-59.
23. Olomajobi, Yinka & Anonaba, Deborah (2016), "Right to Dignity and Women Prisoners: A Case Study of Ijebu-Ode Prison ", *Babok University School of Law and Security Studies*, pp.1-17.
24. Rabin, Nina (2009), "Unseen Prisoners: A Report of Women in Immigration Detention Facilities in Arizona", *Arizona Legal Studies Discussion Paper*, No.09-01.
25. Van Kempen, Piet Hein (2008), "Positive Obligations to Ensure the Human Rights of Prisoners ", in J.P.Tak Peter and -Jendly, Manon (eds), *Prison Policy and Prisoner`s Rights, The Protection of Prisoner`s Fundamental Rights in International and Domestic Law*, Wolf Legal Publishers, pp.21-44
26. Vasiliades, Elizabeth (2005), "Solitary Confinement and International Human Rights: Why the U.S. Prison System Fails Global Standards." *American University International Law Review*, Vol. 21, No.1, pp.71-99.
27. Waldron, Jeremy (2008), "Cruel, Inhuman, and Degrading Treatment: The Words Themselves", *New York University Public Law and Legal Theory*, pp.1-48.

C) Judgments

C-1) International Court of Justice

28. Ahmadou Sadio Diallo (Republic of Guinea v. Democratic Republic of the Congo), 30 November 2010
29. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), 20 July 2012

C-2) European Court of Human Rights

30. Ireland v United Kingdom, Ser.A, No.25, 18 January 1978
31. Harakchiev and Tolumov v. Bulgaria, Nos. 15018/11 and 61199/12, 8 July 2014
32. Shelley v The United Kingdom, No.23800/06, 4 January 2008
33. Mozer v. The Republic of Moldova and Russia, No. 11138/10, 23 February 2016

34. Pakhomov v Russia, No. 44917/08, 30 September 2010

35. Blokhin v. Russia, No. 47152/06, 23 March 2016

C- 3) African Commission on Human and Peoples Rights

36. Communication Nos.54/91, 61/91, 98/93, and 210/98, Malawi African Association and Others v Mauritania, 2000

37. Communication 292/04: Institute for Human Rights and Development in Africa v Angola , May 2008

38. Communication 368/09 – Abdel Hadi, Ali Radi & Others v Republic of Sudan, 2013

C-4) American Court of Human Rights

39. Montero Aranguren et al v Venezuela, 5 July 2006

40. Diaz Pena v Venezuela, 26 June 2012

41. Espinoza Gonzales v Peru, 20 November 2014

42. J. v Peru, 27 November 2013

C-5) International Criminal Tribunal for the former Yugoslavi

43. Prosecutor v Delalic et al., Case No.IT-96-21-T, 16 November 1998

D) Reports

44. Association for the Prevention of Torture (APT), Jean-Jacques Gautier NPM Symposium Addressing children’s vulnerabilities in detention, 2014

45. European Committee for the Prevention of Torture and Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (CPT):

46. 9th General Report, 1999

47. 11th General Report, 2001

48. 21st General Report, 2011

49. 24th General Report, 2015

E) UN Documents

50. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, A/RES/60/147, 16 December 2005

51. Committee against Torture, Concluding Observations: USA, UN Doc. CAT/C/USA/CO/2 (2006)

52. Human rights committee, General Comment No. 20, UN Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 30, 1994

53. Human rights committee, McCallum v. South Africa, UN Doc. CCPR/C/100/D-1818/2008 (2010)

54. Optional Protocol to the Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, A/RES/57/199, 8 December 2002

55. UN Special Rapporteur on torture, UN Doc. A/66.268, 5 August 2011

56. World Health Organization (Regional Office for Europe) Health in Prison

Project, Consensus Statement on Mental Health Promotion in Prisons, 1998

F) Websites

57. www.cpt.coe.int

58. www.euro.who.int

